

# ۱. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران

(عامیون)

## مقدمه

هر اندازه که ترقیات عالم پیشرفت کرده آلات و ادوات صناعی و روابط تجارتی و مناسبات مدنی افزوده می شود، به همان اندازه حرکات حریت پرستانه ملل مختلفه دنیا در پیروی طریقی که بشر را به یگانه آرزو و آمال واحده انسانیت می رساند با کمال روشنی وسعت پیدا می کند. با سرعت دائمی فوق العاده‌یی که وسایل مدنیه سیر می کند افکار بشریت نیز به همان نسبت با یک طرز تکامل ترقی نموده و به همان درجه از دوره توحش و آثار بدوات دور می شود.

قوای قاهره عنصریه طبیعت در مقابل همت و فعالیت بشری و آثار اعجازیه علمیه و صناعیه و نتایج غلبه و مظفرتی که به تدریج از آن آثار ظاهر می شود روز به روز مغلوب می گردد و به همان نسبت مغلوبیت، تضاد معیشت نیز، که افراد انسان را از همدیگر دوز انداخته، به تدریج مرتفع می شود: از جمله نتایج مستحسنه این تکامل آنکه: عالم بشریت برای مبارزه با دشمن عمومی خود، که طبیعت است، احتیاج خویش را به اتفاق و اتحاد به خوبی حس کرده، همان طوری که بدو اقوام مختلفه که از عشایر جداگانه تشکیل یافته بود ملل و دول بزرگ تأسیس نموده و به هم پیوسته به

علاوه امروز برای رسیدن به اقصی آمال بشریت بلا فرق مذهب و ملت شروع به اتصال و اتحاد نموده و فرقه‌های بین‌المللی تشکیل می‌کنند.

تمام ترقیات عالم، کل مجاهدات بشر همانا عموماً رو به طرف آن دوره سعادت و حریت و مساوات که آمال مکنونه عالم تمدن است، می‌شتابد. این حرکت مانند رودخانه رفته رفته رسیده جسیم گشته غفلت زدگانی را که در اطراف و اکناف مانده و خود را از سیل ترقی عمومی کنار و محفوظ می‌پندارند با سیلان خروشان خود شسته و می‌برد. این سیل حریت که معنی‌اش در ظهور کاپیتالیسم (سرمایه داری) بوده و از اروپا شروع کرده سدهای فنودالیزم (ملوک الطوائفی) را که در راه جریانش مقاومت می‌کرد چنانچه تاریخ تمدن شهادت می‌دهد، شکسته با یک سرعت فوق‌التصوری که مظفریت خود را به تمام عالم نشان می‌داد، به جریان آمد. به حدی که مشرق زمین نیز با آن گرفتاری در چنگال آهنین استبداد و سرگرمی به خواب گردان فنودالیزم و هرج و مرج از آن سرایت خودداری نتوانست.

قرن بیستم برای شرق همان است که قرن هفدهم برای ممالک غربیه بود. یعنی دوره تجدیدیست که آسیا که قسمت اعظم بشریت را تشکیل می‌کند به جنبش و هیجان آمده و فنودالیزم مستأصل در اینجا دوره خود را به قوه جدیدی واگذار نموده به مهاجمات خانه برانداز کاپیتالیسم دارد تسلیم می‌شود.

ایران نیز که در عائله بشریت یک اولاد قدیم است، ممکن نیست که به این تبدیلات ضروری‌ای که از آثار تکامل عالم است محکوم نباشد و بتواند روی بنای پوسیده استبداد مطلق و اساس از کار افتاده فنودالیزم قائم باشد. ناگزیر از تجدید بود و ناچار بایستی در جاتی را که تمام افراد عائله بشریت از آن گذشته‌اند طی نموده امتحانات تاریخچه خود را داده و به شاهراه کاروان بشریت افتاده و به اعوان و انصار خویش، که رهروان منتها آمال بشریتند و مراحل عدیده جلو افتاده و می‌روند، برسد. اینک همین فلاکت‌ها و زحماتی که ایرانیان از چند سال به این طرف متحمل آن‌ها هستند و قربانی‌ها که داده‌اند همانا برای گسیختن زنجیر اسارت و انقیادی که پاگیر آنها بود و تحصیل حق و استحقاق یک سالک آزاد بشریت بوده است.

حالا دیگر آن اسارت و مغلوبیت بر طرف و متعرض شده لکن مقصود هنوز به دست نیامده و برای رسیدن به کاروان ترقی باید وطن را که به یک حال انحطاط و اضمحلالی افتاده آباد نموده و به

شکلی انداخت که در میدان مسابقه عالم به همراهان تندپای، که با کمال سرعت می‌روند، همقدم تواند شد.

این مقصود به چه وسیله دست می‌دهد؟

برای اینکه بتوان به این سؤال جواب داد، لازم است اوضاع حالیه ایران و بحرانی را که از آن می‌گذرد کاملاً دانست: ایران در هیچ تاریخی به حال اضطراب و بحران امروزه اش نیفتاده. این مملکت که از اقدم دول عالم است، نظیر این زوال را که در حال کنونی مبتلای آنست در تاریخ خود ندیده. اگر چه ایران در تاریخ چند هزار ساله خود به بسی بحران و انقراضات محکوم شده ولی آن‌ها فقط از جهت سیاسی بوده و حال کنونیش یک انقلاب اجتماعی و سیاسی می‌گذراند.

نفوذالیزم منسوخ و کهنه شده به کاپیتالیزم که فرمانفرمای امروزه است متحول می‌شود. همین است آن زمانی که روزهای مشوش خواهد گذرانید. مملکتی که به اصول قرون وسطی امرار حیات کرده، چون احساس نموده که دیگر بدین صورت امکان مداومت نخواهد داشت، می‌خواهد به شکل مملکت قانونی بیاید فقط از یک طرف موجود نبودن آلات و ادوات لازمه این تبدیل شکل و از طرف دیگر رقابت سرمایه خارجی آن را تضییق نموده و به اشکالات بزرگ دچارش می‌نماید. برای اینکه عدم اصول و اداره انتظامی را که مدت مدید مستولی آن بوده و حس نافرمانی و انارشی را که در سنوات انقلاب اخیر احداث شده دور نموده یک حکومت قانونی قوی تشکیل و نفوذ حکومت مرکزی را به تمام اعماق بعیده مملکت سرایت داد، و نیز برای آنکه صنایع سرمایه ملی را به یک درجه رقابتی که در مقابل تضییقات خارجه بتواند ایستاد رسانید، لازم است ایران جدید را به آن طرز اداره درآورده و به روی چنان اساس‌هایی گذاشت که برای قابلیت معاونت در زحمات ترقی پرورانه که غائله بشریت مبتلای آن است، یک عضو مستعدی گشته هم خود را از حال اسف اشتمال امروزه نجات بدهد و هم در رسیدن به آن سعادت ابدی که یگانه آمال انسانیت است رتبه یک معاون کافی را احراز نماید.

پس محض اجرا و از قوه به فعل درآوردن این مقاصد عالیه، ارباب معارف را که مع التأسف مقدارشان خیلی کم است و اشخاص باناموس وطن پرست را که وجود آن‌هایی نهایت مغتنم بیش از هر چیز لازم و متحتم است که در دایره یک فرقه سیاسی اتحاد مسلک و توحید حرکت نموده برای حفظ آزادی و استقلال مملکت و ابقای مشروطیت اصول اداره آن را به روی چنان بنای متینی

گذاشت که در راه ترقی و تکامل به قدر امکان از مشکلات مختلفه عديده آزاد بوده و به شاهراه قافله بشریت افتاده بلامانع برود.

بنابراین فرقه دموکرات ایران که برای چنین مقصد عالی تأسیس شده سعادت آتیه و وطن را فقط در اتحاد صنف عامه مملکت که اکثریت اهالی را تشکیل می‌کند و ترتیبات مقتضیه حال آن‌ها دانسته و دیده. برای آن که ایران تجدیدیما را یک دولت دموکراتی کرده و زمام حکومت را همیشه به دست عامه ملت که قسمت اعظم آن را تشکیل می‌نماید بدهد، مطالبات آتیه را درخواست می‌کند.

### اول - در ترکیب سیاسی

مقصد فرقه دموکرات محافظت اصول مشروطیت عامیه است در ایران مبنی بر ترتیب انتخاب عمومی و الغاء و نسخ امتیازات و صنوف ممتازه بین ملت و ابطال اصول مذمومه تشخیصات. ماده اول - قدرت عالی دولت جمع خواهد شد در دست مجلس شورای ملی که فقط آن حق وضع قوانین (را) خواهد داشت. ماده دوم - وزراء در مقابل مجلس شورای ملی مسئولند و باید از مجلس انتخاب شوند.

### دوم - حقوق مدنی

ماده اول - تساوی همه افراد ملت در مقابل دولت و قانون بدون فرق نژاد، مذهب و ملیت. ماده دوم - مصونیت شخص و مسکن از هر نوع تعرض. ماده سیم - آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات، جمعیت‌ها و تعطیل. ماده چهارم - حریت اقامت و مسافرت.

### سوم - قانون انتخابات

ماده اول - انتخاب باید عمومی، مساوی، مخفی، مستقیم و متناسب باشد. تنبیه - در جاهایی که انتخاب مستقیم ممکن نیست ناچار انتخاب بالواسطه معمول می‌شود. ماده دوم - هر یک از افراد ملت که بالاتر از بیست و یک سال دارد حق انتخاب کردن و آنانکه بیشتر از بیست و پنج سال دارند حق انتخاب کردن و شدن هر دو را دارند.

### چهارم - قضاوت

ماده اول - قوه قضائیه از قوه اجرائیه مجزا و منفک است.

ماده دوم - محاکمه برای همه افراد ملت متساوی و سریع است. موقوفین باید علت توقیف خود

را بیست و چهار ساعت بدانند.

ماده سوم - موقوف شدن اجرت محاکمه به تدریج.

### پنجم - امور روحانی و معارف

ماده اول - انفکاک کامل قوه روحانیه.<sup>(۱)</sup>

۱- مدتها بعد از انتشار مرامنامه فرقه دموکرات ایران، کتابچه‌ای با عنوان «اصول دموکراسی: شرح مرامنامه دموکرات عامیون» به قلم یک نفر دموکراته چاپ شد که ماده اول از بند پنجم (امور روحانی و معارف) را چنین شرح کرده است:

(پنجم امور روحانی و معارف)

ماده اول

(انفکاک کامل قوه سیاسیه از قوه روحانیه)

(توضیح) - چون این ماده که بهترین و نافع‌ترین مواد است به حال ملت و روحانین ممکن است مغرضین آن را بد توجیه کنند لازم است قدری مبسوط توضیح بشود. کسی انکار نمی‌تواند کرد که در اسلام قوه روحانیه علیحده بلکه به هیچ صنف مخصوص مقرر نشده است یعنی جمعی و طایفه مخصوصی برای اجرای امور دینیه قرار نداده بلکه همه مردم نسبت به تمام امور ذیحق هستند و مقام محترم مقام علم و تقوا است که اختصاص به هیچ احدی و فرقه ندارد. باید همه عالم و متقی باشند و همه حق تعلیم و ارشاد جاهل و امر به معروف دارند و همه امام جماعت و جمعه و ولی در امور در صورت عدالت توانند بود و همه هم کسب می‌توانند کرد و همه عالم و مجتهد و قشونی و قاضی توانند شد و این ترتیب تا اوایل عصر بنی عباس هم معمول بود. آن‌ها برای توسعه بلاد اسلام و اشتغال خودشان به امور مملکتی و عیش و عشرت جمعی از اهل بصیرت را به عنوان قضاوت و افتاء اختصاص دادند. و گانه قوه روحانیه را جدا از قوه سیاسیه دولتی منفک کردند کم در اسلام به عنوان فقها و علماء یک فرقه ممتاز از دولت و رجال دولت شدند. «مثل اینکه قوه سلطنت و نبوت در آل اسرائیل گاهی جدا از هم بوده تا سلطنت شیعه برقرار شد و مذهب شیعه بر این است که سلطنت حقه بعد از نبی یا امام و در غیبت امام با علماء و فقها جامع الشرایط است و چون کار با آن‌ها تاکنون نشده است تا معلوم شود که به چه ترتیب تعیین سلطنت می‌نمایند که ما آن نمونه را تذکراً مثال بیاوریم. ولی البته مسلم است که مقصود این نیست که در هر شهری مثلاً صد فقیه هر یک اداره سلطنتی و قشونی و قضاء و سایر لوازم مملکت داری را دایر کنند. به هر حال سلاطین شیعه به امور دولتی از قبیل تعیین وزراء و عزل و حکام و تعیین و اخذ مالیات و ترتیب قشون و جلوگیری از قطاع الطریق و دزدان و حراست مملکت از تهاجم خارجی را به عهده گرفته قوه سیاسیه تشکیل دادند. و فقها هم علیحده برای اینکه ممکن نبود با تصدی به امور شرعیه متصدی کار دیگر شوند یک قوه علیحده روحانیه تشکیل داده اموری را به خود مختص کردند از قبیل تدریس علوم دینی و تألیف و قضاء و امامت جماعت و جمعاعات و افتاء و ولایت در امور مولی علیهم و ولایت در موقوفات و مسجد و منبر و مواعظ و هكذا. پس تفکیکی قهراً میان قوه سیاسیه و روحانیه بود لیکن نه تفکیک کامل. زیرا دولتیان از سلطان و وزیر و امیر و حاکم گرفته الی کدخدایا و پا کار به بعضی امور روحانیه دخالت می‌کردند محاکمه بین منخاصمین می‌نمودند حدود الهیه را در خصوص کسانی که متهم به تقصیری می‌شدند بدون ثبوت به طریق شرع مجازات از کشتن و بریدن گوش و ریش و دماغ و دست و پا و حبس و زنجیر و شکنجه و چوب زدن و تازیانه و غیرها نموده بلکه مداخله در امور حسینی و مساجد و غیرها می‌نمودند. ارجاع امور به (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ماده دوم - تعلیم مجانی و اجباری برای همه افراد ملت.

ماده سوم - توجه مخصوص در تربیت نسوان.

### ششم - دفاع هلی

ماده اول - خدمت عسکر به اجباری است برای همه افراد ایرانیان. هر یک از افراد تندرست ملت

باید دو سال در قشون تحت السلاح خدمت نماید.

### هفتم - اصول اقتصادی

ماده اول - مالیات مستقیم همیشه حتی الامکان بر مالیات غیر مستقیم مرجح و مقدم است مع هذا

مالیات های غیر مستقیمی که برای ترقی و توسعه صنایع داخله ضروری است محفوظ خواهد بود.

ماده دوم - طرح مالیات به روی عایدات.

ماده سیم - موقوفی امتیازات در کارهایی که اسباب ارتزاق عمومی است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کسانی که نااهل بوده کرده اهل ها را گوشه نشین می کردند و هكذا. از این طرف بسیار اشخاص به لباس روحانیت بدون اهلیت متصدی امور شرعی شده دخالت در امور سیاسی از عزل و نصب وزراء و حکام و امور مالیاتی و قشونی و غیرها کرده آنها طویله خود و این ها خانه خود را بست و مأمین اشرار یا اخیار می کردند. گاهی با هم ساخته اسباب زحمت ضعفا می شدند و گاهی معارضه با هم کرده صدمات به مردم می رسانیدند این از حبس او آدم می کشید او از خانه این و هكذا. و این معارضه هر دو قوه را ضعیف و ملت را نحیف ساخته و مملکت را به حال بدی انداخت (قال رسول الله صلی الله علیه و آله) (صنافان من امتی ان صلحا صلحت امتی و ان فسد افسدت امتی) (قیل من همایا رسول الله قال العلماء و الامراء) و قال صلی الله علیه و آله (العلماء امناء الرسل یدخلو فی الدنیا) قیل و ما دخولهم فی الدنیا (قال اتباع السلطان).

کسی شبهه ندارد که نجات ملت موقوف است بر اینکه ملاحظه کند سبب نقض و تنزل امور را دانسته رفع نمایند چنانچه تمام مواد این مرامنامه بر این اساس است که اسباب ضعف و ضرر و ظلم و پریشانی را که معمول و عادی شده و اساس اسلام را متزلزل ساخته بود براندازد. و مشروطیت دولت و دخالت عموم ملت در اصلاحات امور برای همین است بعد از اینکه قانون اساسی را عموم ملت که حجج اسلام و آیات الله از افراد آنهاست امضاء و قبول فرمودند و لزوم سلطان و وزراء و جمعی را برای حفظ حوزه اسلامی لازم می دانند و از طرف دیگر جماعت روحانین را برای استنباط و تعلیم و افتاء احکام لازم می دانند آیا این دو قوه جدا جدا موجود است یا نه؟ و آیا عاقلی پیدا می شود که بگوید با وجود جدایی این دو قوه از حیث علم و عمل لیکن اموری که راجع به هر یک از این دو قوه است منفک از هم و سوا از یکدیگر نشده و درهم بوده همواره این دو قوه در کشاکش باشند و به واسطه این کشاکش ملت مملکت در حال خطرناک بماند.

آیا انفکاک کامل دو قوه از یکدیگر غیر از این معنای دیگر دارد و این انفکاک ضروری است یا خیر؟ و شاید جاهلی توهم کند که بنابراین پس فقیه در ادارات دولتی و سیاسی پذیرفته نمی شود این هم غلط محض است مگر علم و فقاها مانع از کاری می شود و آیا بهترین اشخاص برای کار اعلم و افقه نیست. اما همینکه شخص داخل امور سیاسی شد در آن حال به عنوان مأموریت سیاسی به امور روحانی و به عنوان روحانیت در امور سیاسی نباید دخالت کند.

- ماده چهارم - منسوخ شدن مستمریات به تدریج.
- ماده پنجم - کلیه موقوفات در تحت نظارت و اداره دولت بوده و عایدات موقوفات عمومی صرف معارف عمومی و امور خیریه خواهد شد.
- ماده ششم - منسوخی سخره و بیکار.
- ماده هفتم - رودخانه ها و جنگل ها و چراگاه های عمومی و معادن باید متعلق به دولت باشد.
- ماده هشتم - ممنوع بودن کار و مزدوری برای بچه بی که به چهارده سال نرسیده باشد.
- ماده نهم - محدود بودن مدت عمل در شبانروز منتهی به ده ساعت.
- ماده دهم - استراحت عمومی و اجباری یک روز در هفته.
- ماده یازدهم - مواظبت به لوازم عمل و حفظ الصحة کارخانجات.
- ماده دوازدهم - منع احتکار غلات به واسطه طرح مالیات سنگین.
- ماده سیزدهم - معامله مالکین با بزره گران و دهاتیان در خصوص هر نوع بدهی آنها و حقوق اربابی و همچنین معامله دولت در هر نوع امور مالیاتی و عسکری و غیره در تمام ایران به طور تساوی تحت یک قانون عادلانه خواهد بود.
- ماده چهاردهم - همه نوع عوارض و مأخوذات و تجمیلات از طرف مالکین بر رعایا غیر از حقوق قانونی به هراسم و رسم از تعارف و هدایا و سایر بدعت ها کلاً و جزءً منسوخ و موقوف و مستلزم مجازات خواهد بود.
- ماده پانزدهم - حکومت ارباب و مالکین در اراضی خود و رسیدگی در امور مدنی و ملکیه و حکم در جنایات و تقصیرات از هر نوع به کلی منسوخ و تبدیل به حکم مأمورین دولت و حکام باید بشود.
- ماده شانزدهم - اخراج و تبعید دهاتی از مسکن خود ممنوع است.
- ماده هفدهم - تقسیم اراضی خالصه به زارعین و رعایا و فراهم آوردن اسباب همین ترتیب در املاک اربابی به وسیله تأسیس شعب بانک زراعتی در بلوکات و دادن حق تقدم خرید به زارعین در موقع فروش. (تهران مطبوعه دولتی)